

## به نام خدا اسم‌پردازی در شعر شاعران بومی

سید نجم الدین الماسی<sup>۴۵</sup>

### چکیده

یکی از ویژگیهای رایج در اشعار بومی نواحی زاگرس نشین، گنجاندن اسامی عام و خاص در بین ابیات است. این اسامی عمدتاً مشتمل بر نام پهلوانان، مناطق، کوهها، گلهها، درختان، پرندگان، زنان و دختران ناشناس و حتی مشاغل است. شاید شاعر به نحوی در صدد ابراز توانایی خود در شناخت طبایع و اسامی برآمده است و شاید در این سیاق، جذابیتی نهفته است که اغلب شاعران بومی را بر آن داشته است تا گریزی به این شیوهی شاعری زده باشند. ملا حقعلی سیاهپوش در شعر بهاریه حدود ۵۰ درخت، ۱۶ گل، ۳۰ پرنده را نام برده است. ملا منوچهر کولیوند در شعر دنیه بی حاصل نام ۳۴ شغل مختلف و در شعر شمس زرین نام ۲۵ گل را ذکر کرده است. ترک امیر نام بالغ بر ۲۰ شخصیت از شاهنامه، قریب به ۴۰ مورد نام قلهها یا کوهها در اقصی نقاط جهان را در شعر بنای کهن و نام ۴۰ نوع گل و گیاه را در شعر کله باد به بند می کشد. در شعر بهاریه سید یعقوب ماهیدشتی ذکر نام حدود ۱۷ مورد پرنده، ۲۰ مورد گل و در شعر نیش مژه خاصان ذکر ۱۳ اسم خاص را شاهد هستیم. در این مقاله با بررسی اشعاری از شاعران فوق الذکر به تحلیل بیشتر این موضوع پرداخته شده است.

<sup>۴۵</sup> عضو هیات علمی دانشگاه لرستان

## ۱- مقدمه

در شعر شاعران مشهور بومی کمتر شاعری را می توان یافت که حداقل در یکی از اشعار خود به اسم پردازی از گلها، گیاهان، درختان، درختچه‌ها، کوه‌ها، قله‌ها، پرندگان، پهلوانان، اسامی خاص انسانها و یا حتی مشاغل پرداخته باشد. شاید بتوان گفت این شیوه‌ی شاعری وجه تحول و تمایزی بین شاعران بومی با دیگر شاعران است. در مقاله‌ای که پیش روست، برای اثبات مدعای خود از ۴ شاعر معروف بومی به نامهای ترکه امیر، ملا حقعلی، ملا منوچهر و سید یعقوب ماهیدشتی مدد جسته‌ایم و اشعاری از این بزرگان را مورد بررسی قرار داده‌ایم. انتخاب این شعرا به خاطر نمود بیشتر این شیوه در شعر آنهاست و به این معنا نیست که این موضوع محدود به همین افراد می شود. در اشعار غلامرضا خان ارکوازی، ملاپیشان و دیگر شاعران بومی و حتی شاعران معاصر بومی نیز شاهد این اسم پردازی‌ها هستیم.

## ۲- اسم پردازی در اشعار ترکه میر

ترکه آزادبخت طرهانی، معروف به ترکه میر از گویندگان نامی لرستان و یکی از شخصیت‌های برجسته‌ی زمان خود بوده است. بسیاری از نزدیکان ایشان اقرار کرده اند که ایشان دارای نیروی طی الارض بوده است. در بیان توانایی ایشان همین بس که عشره‌ی بی نقطه، ده بیت شعر منسجم و روان از این شاعر است که در تمام ابیات آن از هیچ حرف با نقطه ای استفاده نشده است. سال وفات آن مرحوم به ۱۲۳۶ هجری قمری می رسد [۱].

شعر کله باد در وصف باد بهار که علامت فرا رسیدن نوروز و عزیمت زمستان است، سروده شده است. در این شعرنام قریب به ۴۰ نوع گل و گیاه و درختان بومی از جمله نسرين، ريحان، سرچم، سمسا، مفرا، سویر، شقایق، زنبق، کافور نوروز گل، سوسن، برضا، قرنفل، دوحه الرطب، گیز، گل ارجن، شن گویج، رمان، رطب، اوگز، توی، توی دره، رمله، رضو، خلیف، خیمه، دن، غزاله، داخ، نخل زینت الحطب، نارنج، نارین، اروان، ارغوان، شفتالو آورده شده است. ابیات زیر برگرفته از شعر کله باد هستند.

اسرینه نسرين نسرين نچورده \*\*\*\*\*رایحه ريحان شونم پرورده

شوق شقایق، زردی زنبق گل \*\*\*\*\* گل ریزان گل، چهچهه بلبل

گیز و گل ارجن، گویج و اوگزو \*\*\*\*\* توی و توی دره، رمله و رضو

بال و شفتالو شن و دن و داخ \*\*\*\*\* ژ جور ظهور زمهریر درساق  
از آنجا که شاعر کله باد را بادی می پندارد که از سوی خاک متبرک نجف می وزد لذا آنرا همچون دم  
مسیحایی می انگارد که باعث جان بخشیدن به تمام کائنات می شود و همه‌ی موجودات در انتظار آن هستند.  
وحش و طیر و جن، مل و مار و مور \*\*\*\*\* بالدار و بی بال، زوردار و بی زور  
چم دار و بی چم چمه رای راتن \*\*\*\*\* عالم منتظر نفخه نجاتن  
یکی دیگر از شاهکارهای ترکه میر بنای کهن است که هنگام مشاهده‌ی قلعه‌ی چهرسروده است. این قلعه  
که در ستیغ کوهی به همین اسم واقع شده است بین هرسین و بیستون و در سمت جنوبی پل چهر قرار دارد.  
در این شعر بالغ بر ۲۰ شخصیت از شاهنامه و ۴۰ قله، کوه یا رشته کوه نام برده شده است. قلعه چهر برای  
شاعر لب به سخن می گشاید. چنین تعریف می کند که پادشاهان و پهلوانان زیادی در این مکان سکنی گزیده  
اند جمشید، ضحاک، سلم فریدون کیقباد، منوچهر، تور، گرشاسب، نیرم، سام، زال رستم، کیکاووس  
سیاوش، کیخسرو، توس، نوذر، گیو، گودرز، جهانگیر، فرامرز همه را به یاد دارم و داستانهای زیادی از آنها  
در خاطرمان مانده است.

ژ دور جمشید کیقباد چنی \*\*\*\*\* تا آما و دور همای بهمنی  
چن سال سلم و تور تمنام کردن \*\*\*\*\* جیشش چی جیحون و لام ویردن  
گرشاسب و نیرم، سام و زال زر \*\*\*\*\* کیکاووس بو تاج جقه طاووس پر  
رستم بو شوکت تهمتتی وه \*\*\*\*\* بو گرز و گوپال نهصد منی وه  
کیخسرو بو جام گیتی نمآوه \*\*\*\*\* بو مرصع تاج رخشان کلاوه  
وصف گردیشان نمای و حساوه \*\*\*\*\* جاش نین ار پای دیباچه کتاوه  
مختصر یک یک فلک برد و فن \*\*\*\*\* تا ما و دوره چهر بن بهمن  
من اوسا چراغ بزمم روشن بی \*\*\*\*\* دور و کام چهر همای بهمن بی  
منیش همای چهر جرگه نازم بی \*\*\*\*\* کوان گشت چی فرش پا انازم بی  
سپس گریزی به نام کوهها می زند؛ پاتاق لنگرجم، سفید یال، ساوجبلاغ قندهار تفلیس الوند، ابوقییس  
شیروان، پینه، اشتران کوه، ارگ هلاکو، مانشت سهند، دامغان، گواران، دالهو، سمنان، قیس ایروان، شاد  
بلاخ، سراندیب، باوه یال، دینار، کان البحرین، خلخال، البرز، احد، پیچ، پیره باخ، امروله، بیستون، یافته کوه،  
النجه، قره داغ، دماوند، و در پایان همه آنها و حتی کوه دماوند را در شمار کمترین خود می داند.  
پاتاق و سهند، قد و هلاکو \*\*\*\*\* مانشت، گواران، بن دالهو  
سمنان و دامغان، ساوجبلاغ و قیس \*\*\*\*\* ایروان و شیروان، شاد بلاخ، تفلیس

پینه، شتران کوه، سراندیب تمام \*\*\*\*\* باوه یال، دینارچنی لنگر جام  
یه گشت چی مرید سرسپردم بین \*\*\*\*\* بلی کمتر سنگ پایه حوردم بین  
و طوری پایه طاقم بلن بی \*\*\*\*\* سنگی ژ پایم چن دماون بی  
در شعر بنای کهن ذکر ۱۱ اسم خاص از بانواناز جمله صنمیر، هلاله، سعده، پریزاد و غیره نیز به چشم می  
خورد که بیان آنها خالی از لطف نیست، هر چند در قالب ایهام اسامی مهتاب و زهره را هم قید کرده است.  
چنی کنیزان گلبرگ و گل رنگ \*\*\*\*\* ترنم سازان شیدای شوخ و سنگ  
مشتری رخسار فتنه و شوق افروز \*\*\*\*\* نفسه، هلاله، سعده جهان سوز  
گشت حوری حوروج، حوری صفتان \*\*\*\*\* گشت مهتاب جبین زهره طلعتان  
صنمیر، گلچین، حوری، پریزاد \*\*\*\*\* گلزار و گلنام، گلفام و گلشاد  
منوشان باده عنب پیایی \*\*\*\*\* ویاد قباد، کیکاووس کی

### ۳- اسم پردازی در شعر بهاریه از ملا حقعلی سیاهپوش

ملاحقعلی سیاهپوش فرزند میرزا احمد سر سلسله‌ی طایفه‌ی سیاهپوش الشتر است. وی سومین پسر  
خانواده است و شش برادر دیگرش نیز همگی اهل سواد و ادب بوده اند. البته در این میان ملاحقعلی بیش از  
دیگران به ادب و عرفان دل بسته و مشهور گردیده است. ملاحقعلی در دهی‌ی سوم نیمه‌ی اول قرن سیزدهم  
متولد شده و تا اوایل نیمه‌ی اول قرن چهاردهم زندگی کرده است [۲]. ایشان تسلط خیره کننده‌ی بر سرودن  
شعر فارسی و شعر لکی داشته اندتخلص ایشان در اشعار فارسی فیلی و در اشعار لکی حقعلی یا حقه است.  
چنانکه قبلاً ذکر شد، ملا حقعلی در شعر بهاریه حدود ۵۰ درخت، ۱۶ گل و ۳۰ پرنده را ذکر کرده است و  
شاید در این زمینه گوی سبقت را از همه ربوده است. در این شعر نه فقط اسم بلکه صفات و مشخصه‌های  
بارز اغلب گلها، درختان و پرندگان نیز ذکر شده است. این موضوع مبین آن است که شاعر فراتر از نام گلها بر  
ماهیت و چیستی آنها نیز تسلط داشته است. مبالغه نیست اگر بگویم در قسمت درختان و گلها حس بینایی و  
در قسمت پرندگان حس شنوایی خواننده نوازش می‌شود. علاوه بر شعر بهاریه در بسیاری دیگر از اشعار این  
شاعر نیز اسم پردازی‌های جذابی به چشم می‌خورد که اشاره‌ی گذاری به آنها خواهد شد.  
شاعر با وزش باد بهاری ابتدا به زنده شدن و قد کشیدن درختان اشاره می‌کند. و نام تک تک درختانی را که  
می‌شناسد بیان می‌کند. سرو، صنوبر، عرعر، ترنج، نارنج، نارون، انار، لیمو، بید مشک، چنار، کنار، عناب، امرود،  
انجیر، آلو، سماق، سنجد، سیب، شفتالو، شمشاد، نخل، کاج، تاک، کره (انجیر کوهی)، کیکمان، ون (زبان

گنجشک)، بلوط، ارجن، خلف، شن، مغیلان، ملح، دارچین، میخک، هلیله، هل، سندل، توت، گردکان (گردو)، رز، ارغوان، پلک، کرف، گز، سیوری، پسته، آلو، بخارا، بادام، بید مجنون.

در پایان شاید به این خاطر که مبادا نام درختی از قلم افتاده باشد یا دانش شاعر در خصوص درخت شناسی یاری نکند یا ضرورت ندانسته که نام آنها را بیاورد، با ذکر دو بیت که همگی درختان را شامل می‌شود این بخش از اسم پردازی را خاتمه می‌دهد و چنین می‌گوید که نسیم با ناز و کرشمه به هر کدام از درختان بر حسب شایستگی و جایگاه خلعت عطا کرده و درختان نیز که گویی شراب شوق و شادی سرکشیده بودند، لباسهای کهنه را از تن بیرون کردند و خلعتهای نسیم را بر تن کردند. در ادامه چند بیت از این بخش آمده است:

قامت قیام دان سرو و صنوبر \*\*\*\*\* بو بالای بی گرد ویش نازو عرعر  
ترنج و نارنج، نارونان، انار \*\*\*\*\* لیمو، بید مشک، چنار و کنار  
عنا ب و امرو، انجیر و آلو \*\*\*\*\* سماق و سنجد، سیو و شفتالو  
اشجاران هر یک نه جیگه ویشان \*\*\*\*\* نسیم ز روی ناز خلعت دا پیشان  
برگ بیزاری ویشان پرت کردن \*\*\*\*\* گشت مخلع بین خمر شوق هوردن  
پس از درختان نوبت به گلها می‌رسد، نوروز گل، نرگس، ریحان، نسرين، زمق، مرزنگوش، شقایق، یاسمن،  
خطمی، نیلوفر، آفتاب گردان، لاله، سوسن، پیچک، چویر، برضا. با خواندن این بخش از شعر، خواننده به ناگاه  
خود را در میان گلستانی از گلها می‌بیند. در این شعر، شاعر حال هوای سر برآوردن گلها از خاک، رنگارنگ  
بودن، فزونی و تعدد در طبیعت، مشاطه‌گری، عاشق‌کشی یا عاشق‌نوازی آنها، همه و همه را با رندی تمام به  
تصویر کشیده است. ذکر بسیار زیاد واژه گل در این شعر بی آن که بار تکرار کلمه بر دوش خواننده سنگینی  
کند دقیقاً همانند تعدد گلها در طبیعت، بر زیبایی این تصویر سازی افزوده است.  
و صدای ناله منادی بهار \*\*\*\*\* بین گلان ژ خاو خفلت خوردار  
قاو قاو قیام دان قامت ژ روی ناز \*\*\*\*\* صف صف نظام دان چوین سان سرباز  
نرگس بنا کرد مشاطه کاری \*\*\*\*\* سوز اطلس پوشا پری عیاری  
و فرحناکی دس نه عین مالان \*\*\*\*\* شو نم ژ رخسار خورشیدیش پالان  
دیده پر خمار ویش داخاونا \*\*\*\*\* جرگ عندلیب عاشق کاونا  
برضا ژ طرز زلف نازاران \*\*\*\*\* آویزان و بان تخته مخاران  
گلان الوان کرد صفحه ارضه وه \*\*\*\*\* نه عین ارض آيو و صد طرزه وه  
گلی معمم، گلی ردا پوش \*\*\*\*\* گلی شیدا شوخ، گلی باده نوش

گلی دهن واز، گلی مضیق فم \*\*\*\*\* گلی تاج آسا، گلی جام جم  
گلی خیاطه خامش نه دوشن \*\*\*\*\* گلی گوشواره یاقوت نه گوشن  
علاوه بر همه‌ی آن زیبایی‌ها پرندگان نیز با نواختن مقامات موسیقایی بازار همیشگی را گرم می‌کنند؛  
شاعر با مطلعی ظریف که مبین مفهوم مذکور است، به ذکر نام و مشخصه‌های صوتی پرندگان می‌پردازد.  
قمری، طوطی، بلبل، طاووس، کبک، عندلیب، لُق لُق (لک لک)، غاز، کرکس، بوم (جغد)، ابابیل، بط، شاهین،  
شهباز، شنقار، چرخ ریسک کور کوره، واشه و سرگر، هما، سیاکرک (پرستو)، شوکوره (خفاش)، سهوه (صعوه).  
عقاب، کلاغ، چکرک، مرخاوی (مرغابی)، گنجشک. در این بخش نام تعدادی از حشرات مانند پروانه و ملخ  
(کله یا قله) نیز ذکر شده است.

طیران بو مقام موسیقار و \*\*\*\*\* گرم کردن بازار هر ده جار و  
ققه کوگ ژ فوق برزی ایلاخان \*\*\*\*\* ناله عندلیب ژ بین باخان  
ناله شاهینان، شریقه شهباز \*\*\*\*\* پی شکار شنقار، فریاد کی و ناز  
شو کوره و سهوه، کله و پروانه \*\*\*\*\* گردشان ژ شوق بین دیوانه  
شاعر در پایان با ذکر یک آرزو و یک تأسف که بی شک آرزو و تأسف خواننده - که در حال و هوای بهار  
و زیباییهایش قرار گرفته است - و شاید همه‌ی موجودات، شعر بهاریه را خاتمه می‌دهد.  
اربعه فصول وی طور بو خاصن \*\*\*\*\* هزار حیف بهار، شهرش ثلاثن  
ملاحظه‌ی همین شیوه را در شعر بهار شاعر با ذکر نام گلها و پرندگان و در شعر الشتر نامه با ذکر نام  
بسیاری از پهلوانان شاهنامه پیاده کرده است. بیت زیر از الشتر نامه اقتباس شده است.  
کوس و کو کوی کیکاووسم دی \*\*\*\*\* دور و دو دوی دقیاوسم دی  
چنانچه ملاحظه می‌شوند شاعر بسیار زیبا و ماهرانه با حروف کاف و دال بازی کرده است. از این سنخ بازی با  
کلمات و حروف در اشعار ملاحظه‌ی بسیار به چشم می‌خورد.

### ۳- اسم پردازی در اشعار سید یعقوب ماهیدشتی

سید یعقوب ماهیدشتی فرزند سید ویس متولد ۱۸۰۸ میلادی از سلسله سادات سامره‌یی ساکن ماهیدشت  
کرمانشاه بوده است. سید از کردی سرایان صاحب دیوان و دارای عنوان بوده، خطی خوش و صوتی دلکش  
داشته و تنبور را استادانه می‌نواخته است. حدیث جوانمردی سید پوریا آسا ورد زبانهاست؛ آنجا که در روز  
عقد خود جوان گریان و آشفته‌ای را که مدعی است دل‌باخته‌ی دلربایی است که امروزش برای سید به نکاح در

می‌آورند، بر جای خود به عنوان زوج می‌نشانند. مرحوم سید یعقوب علاوه بر مقام فضل و ادب از معروفترین هوره چهرهای کرد بوده است [۳]. در این مقاله قصیده‌ی بهاریه و نیش مژه خاصان از این شاعر و از منظر اسم پردازی مورد بررسی قرار گرفته است.

سید در قصیده‌ی بهاریه که به جرأت می‌توان گفت شاهکار ایشان است، حدود ۱۷ مورد پرنده و ۲۰ مورد گل را نام برده است. سید نیز همانند دیگر شاعران بومی در شعر بهاریه‌ی خود نام امام اول را ذکر کرده است، چه خاک نجف که سرمنزلگاه باد بهاری است، متبرک از وجود آن امام همام می‌داند. مختصر هر سه موالید، چار عنصر جمع هم \*\*\*\*\* خیزی یا لم قلبشان بانگ نوای حیدری

از جمله پرنده‌گانی که در این شعر نامشان ذکر شده است عبارتند از: طغرل، عنقا، لاجین، واشه، شاهین، شوخ، هدهد، طاووس، قمری، بلبل، کبک، سر سوز، بورچین (بلدرچین)، لقلق (لک لک)، غاز، قلنگ (کلنگ)، بط. گلهایی هم که ذکر نام آنها شده است عبارتند از: شقایق، شب بو، زنبق، خشخاش، ریحان، حنا، شصت پر، اشدبو، کاسنی، نیلوفر، بنفشه، قرنفل، ارغوان، نرگس، نسرين، یاس، یاسمن، سوسن، لولا (پیچک)، لاله. در ادامه چند بیت از این مجموعه آمده است.

طغرل و عنقا و لاجین، واشه و شاهین و شوخ \*\*\*\*\* پی تفرج پر گشوده تا و شمس خاوری  
هدهد و طاووس و قمری، مرغ باغ کوهسار \*\*\*\*\* هر یکی رازی بناز نغمه ساز دلبری  
گل شقایق جغد آسا، کنج دیواران دنج \*\*\*\*\* کاسه‌ی ته اسودی پر کرد نه حوض کوثری  
گل بنفشه، گل قرنفل، گل گلاب و ارغوان \*\*\*\*\* دسته دسته جمع بسته احمری و اخضری  
فصل گل، فصل ریاحین، فصل سنبل، فصل عشق \*\*\*\*\* ام بهار لاله زار و ام شراب کوثری  
نوجوانان بلبل آسا صید عشق گلرخان \*\*\*\*\* گلرخان مشغول خودسازی و ناز و دلبری

سید در شعر دیگری تحت عنوان نیش مژه خاصان، در مقام پاسخگویی به یکی از مدعیان بر می‌آید که سید را به دلیل شرکت در مجالس شادی محکوم کرده است. ایشان نیز ضمن تبری جستن از هر گونه عیش و نوش در آن مجالس خود را در درگاه پروردگار مقرب تر از آن مدعی دانسته است و قضاوت را به روز محشر واگذار کرده است. در این شعر ۱۳ اسم خاص آورده شده است که عبارتند از: امنیه، نازار، سلیمان، صی مامه، پریزاد، نرگس، فاطمه، تمر، مهین، عصمت، رضایی، غنچه، آمنه. چنانکه ملاحظه می‌شود این رویه در شعر ترکه میر نیز وجود داشت هر چند گمان می‌رود که اسامی خاص ذکر شده در بنای کهن ترکه میر وجود خارجی نداشته و در شعر سید وجود خارجی دارند. در زیر چند بیت از مجموعه‌ی مذکور آورده شده است.

امنیت نین و تاره شوه \*\*\*\*\* نازار و آهنگ قطاره شوه  
سلیمان وو سوز کمانچه شوه \*\*\*\*\* زیرش مه ورو دل وغه شوه  
پنجه صی مامه تریکه ته مور \*\*\*\*\* نغمش دل مکه و لانه زمور  
پریزاد بو صوت جولبانه وه \*\*\*\*\* نرگس وو بالای منالانه وه  
فاطمه و تمر ناله هی هلا \*\*\*\*\* خال دور ناف، نرمی پنجه پا  
خانم مهین بو قطاره وه \*\*\*\*\* عصمت بو آهنگ نار هی ناره وه  
خصوص چغانه دست رضایی \*\*\*\*\* نه رقص فارسی و چویی کذایی  
آمنه ت نین وو نازه شوه \*\*\*\*\* غنچه وو یقه نیم بازه شوه  
ار تو وینه من ای گشت اساسان \*\*\*\*\* تماشا کردی نویت هراسان  
اوسا مزانم حق پرستنی \*\*\*\*\* له حق پرستان بالا دستنی  
هر کی یم ژ دین، دیده یارانم \*\*\*\*\* منیش ژ جمله طاعت کارانم  
حق پرستی من ژ تو او سرن \*\*\*\*\* من ور ژ تو جام، حوض کوثرن  
نه روژ محشر خلقان شاهدن \*\*\*\*\* حق و سی یاقو یا و زاهدن

#### ۴- اسم پردازی در اشعار ملا منوچهر کولیوند

ملا منوچهر کولیوند نورمحمدی فرزند تقی و نوهی نورمحمد خان از طایفه‌ی کولیوند الشتر است. علی‌رغم اینکه این شاعر خوش قریحه دارای دیوان شعری حدود ده هزار بیتی بوده است، اما متأسفانه از ایشان جز چند نمونه ترکیب بند، ترجیع بند، غزل و مثنوی به جا نمانده است [۱]. در اکثر این اشعار عشق به اهل بیت پیامبر (ص) به ویژه امام علی (ع) موج می‌زند. در این مقاله اشعاری از این شاعر نامی از جمله شمس زرین، دنیه بی حاصل، کله باد و من مدح او شهی مکم مورد بررسی قرار گرفته است.

در شعر شمس زرین ملا منوچهر صفت یا نام ۲۵ گل را ذکر کرده است که عبارتند از: ژاله، ریحان، مرجان بدخشان، شیدا، اشدبو، شب‌بو درخشان، زرافشان لیلو، ششپر، یاسمن، سپید گل سوسن، نسرين، مشکین گل، سنبل گل افشان، رضوان، لاکي، لولا (پیچک)، ارغنون، نرگس، قرنفل، شقایق. این شعر نیز در وصف بهار و فرارسیدن نوروز سروده شده است. ملا منوچهر همانند دیگر شاعران بومی علت رویش گلها را وزیدن باد متبرکی می‌داند که از نجف اشرف سرچشمه می‌گیرد. او صراحتاً رویش گلها را به خاطر آمدن بهار نمی‌داند،



به بیانی چنین می انگارد که گلها و درختان و گیاهان به احترام وزیدن کله باد که حامل عطر دیار دوست است، قیام می کنند، زنده می شوند و بهار آغاز می شود.

مقصدم کی ژ بهارن کی ژ نوروز و نگارن \*\*\*\*\* حیدر دلدل سوارن حامی روژ شمار در ادامه چند بیت از مجموعه‌ی شمس زرین که حاوی اسم گلها و گیاهان است به همراه مطلع شعر آورده شده است [۱].

شمس زرین، بال زرین با فروغ و فتح فرین \*\*\*\*\* فوق فرق و شرق گرین صبحدم هات و دیار ژاله اندر روی لاله کرده روی لاله واله \*\*\*\*\* همچو می اندر پیاله، بر لبان باده خوار لاکي و لولا و لیلو، شوخ و شیدا و اشذبو \*\*\*\*\* نار و نارنگی و لیمو شوبو ششپیر مدار ارغنون و یاسمن گل، سوسن و نسرين و سنبل \*\*\*\*\* نرگس شوخ و قرنفل، گل شقایق داغدار در شعر دیگری از ملامنوچهر تحت عنوان دنیه بی حاصل شاهد اسم پردازي متفاوتی هستیم. در این مجموعه شاعر اقدام به ذکر شغلها کرده است. بسیاری از این شغلها در فرهنگ بومی نمود بیشتری دارند. در این شعربالغ بر ۲۰ شغل ذکر شده است که عبارتند از: خیاط خباز، تاجر، بزاز، رنگرز، پارچه باف، بساط گستر، آوازی، عطار، سبزی فروش، سلاخ، حلیم پز، پیشه ور، دکان دار فاصد (جراح)، کفش دوز (کفاش)، پینک چی (پینه دوز)، دول دوز (دلو دوز)، معمار، فخار (آجر پز)، حجار، شانه تراش، حجره دار، نقال، بقال، قصاب، کبابی سرا، سراج (تعمیر کار چراغ)، نساج، دلاک، حکیم، حکاک، حداد (آهنگر)، سمسار. نه دکان داری نه دای ستد دیم \*\*\*\*\* نه مشتری بی نه نیک و بد دیم نه بزازان دیم نه گز نه نیم گز \*\*\*\*\* نه رنگ خانه دیم نه رنگ نه رنگرز نه سوزی فروش، سلاخ و خباز \*\*\*\*\* نه حلیم پز بی علاف و رزاز هر سحر کشتار قضاوی نوی \*\*\*\*\* صدای چیز چیز کاواوی نوی نه چلنگری حداد و سمسار \*\*\*\*\* رم رم کوش دوز صغار و کبار

ملا منوچهر این رویه را در بساری از اشعار دیگر نیز به کار بسته است. در شعر کله باد می بینیم که اکثر مناطقی که کله باد (باد بهاری) از آنها عبور می کند را نام برده است. مانند تشکن، قلندر تپه، مله دار، سر ویاران، رومشکان، حجیر، سر کلاسان، میشان، گل گل، هاله، مادیان، کیوشت (کوهدشت)، چنار، دره دراز، مله شوانان، سراب دوره، نای کش، کشکان، شوه خان، راواط (رباط نمکی)، بردیل، خرم آباد او یورت تشکن گذر کر و شاد \*\*\*\*\* اوسا عازم بو پی خرم آباد میشانان مچین ساتی بدر گر \*\*\*\*\* بنور ار گل گل جای خانان لر

و همچنین در شعر من مدح او شهی مکم، نام مشهورترین پیامبران را مستقیم یا غیر مستقیم قید کرده است. حضرت آدم صلی الله (ع)، حضرت نوح (ع)، حضرت یعقوب (ع)، حضرت ایوب (ع)، حضرت خضر(ع)، حضرت یحیی (ع)، حضرت موسی کلیم الله (ع)، حضرت مسیح (ع)، حضرت ابراهیم خلیل الله (ع)، حضرت اسماعیل ذبیح الله (ع)، حضرت سلیمان (ع) و حضرت داوود (ع) اسمشان یا به صورت مستقیم و یا در لفافه آورده شده است.

من مدح او شهی مکم که مدح او خدا وتی \*\*\*\*\* و خمسۀ النبی و نص خدا جدا جدا وتی لوح و قلم و مشتتن، صفی گل بهشتتن \*\*\*\*\* نوح آیبار کشتتن، و صفت لسان الله وتی یعقوب دا بینای چو، ایوب نا مرهم ژ نو \*\*\*\*\* ظلمات خضری پیشرو، الطاف او یحیا وتی کلیم دا تکلمی، ارنی خلاق عالمی \*\*\*\*\* مسیح مریمی دمی ژ او یمیت احیا وتی خلیل مهر تو نه دل آگر و ابراهیم گل \*\*\*\*\* اعدای نمرودی خجل، فرزن ذبیح الله وتی لطف تو دا انگشتی، حکم جن و دیو پری \*\*\*\*\* داوود دا آهنگری بی آگر و دسگا وتی

#### ۵- نتیجه گیری

با توجه به بررسی های به عمل آمده در اشعار فوق الذکر ملاحظه می شود که رویه‌ی مورد ادعا یعنی اسم پردازی در اشعار بومی کاملاً محرز است و چنانکه ذکر شد این موضوع فقط مربوط به شاعران مورد بحث در این مقاله نیست و اکثر قریب به اتفاق شاعران بومی خواسته یا ناخواسته گریزی به آن زده اند لذا می توان اسم پردازی را نوعی تحول و نوگرایی در اشعار بومی قلمداد کرد.

منابع و مواخذ

- ۱- اسفندیار غضنفری، گلزار ادب لرستان، انتشارات مفاهیم، سال ۱۳۷۱، صفحات ۱۱۶، ۱۲۴، ۴۲۸، ۴۴۱، ۴۳۵
- ۲- عبدالسعید حقیقی، دیوان ملا حقعلی سیاهپوش، انتشارات پیغام، سال ۱۳۷۹، صفحه‌ی ۹۷، ۱۱۱، ۲۴۶
- ۳- محمد علی سلطانی، دیوان سید یعقوب ماهیدشتی، انتشارات سها، سال ۱۳۷۷، صفحات ۴۳ و ۵۲